

دست درازی کردن حکمتیار به مرز واژگان گوهری و پاکیزه زبان فارسی



وظیفه جدید گلبدین حکمتیار در رژیم اشرف غنی احمدزی مبارک باشد!

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

مردم خوب می دانند که دولت آمریکا برای تقویه روحی و روانی رژیم پوشالی اشرف غنی احمدزی ، گلبدین حکمتیار را به کابل آورد . وی از روز ورود اش به کابل تاکنون در وظایف سیاسی سپرده شده از جانب آمریکای ها و پاکستانی ها به نفع تأمین منافع آنها ، و استقرار و تداوم حاکمیت سیاسی قبیله افغان خیلی موفق بوده است .

در این اواخر در پهلوی این همه مصروفیت های خاکفروشانه ، وی از جانب اربابان به وظیفه جدید – سخنگوی رژیم غنی در همه امور، تقریر یافته است .

به گزارش اسپوتنیک مورخ 11 اگست 2017 میلادی ، گلبدین حکمتیار گفته است : رسانه ها ترمینالوژی ملی ما را رعایت نکرده و ترمینالوژی رسمی ایران را استفاده می کنند. پوهنتون را دانشگاه، محصل را دانشجو، معلم را دانش آموز و ولسی جرگه را مجلس نمایندگان می گویند.

نخست از همه دو مسئله را باید روشن کرد :

یکی – بکاربردن واژه ترمینالوژی (terminologie) گلبدین حکمتیار ، انگلیسی است. و در زبان فارسی بمفهوم (واژگان شناسی) بکار می رود.

دو - زبان فارسی ، زبان تفاهم ملی حوزه تمدنی آسیا ، زبان اول عرفان جهان ، زبان دوم جهان اسلام ، و زبان دانش و معرفت بشری است . و یکدام کشور و ملت ویژه ای وابستگی ندارد . بلکه زبان همگانی مردمان پارسی گو ، در سراسر جهان می باشد .

چون گلبدین حکمتیار از یکسو درازی قد و قامت خود را در آفتاب نشست اندازه گیری کرده ، و از سوی دیگر - داوری ها و سخنرانی های غیر دانشی و عیدی خویش را برای شنوندگانی ارائه کرده که از آموزش و پرورش دانش و معرفت عقلانی نسبتاً بدور مانده اند . و از همین دو جهت است که تمام رویکرد ها و اندیشه های وی نزد شنوندگان همتبارش - و جیزه تقدس را بدست می آورد .

از این جا است که گلبدین با کسب شأن و جلال کاذب ، همچو پوقانه پوف شده تناسب واقعی سنجش جرم و وزن وجود خود را در روند جریانات سیاسی کشور از دست داده است . زیرا این فرد ناآگاه و خالی ذهن هنوز با خود نیامده که بداند ، چند روزی از کنار دانشگاه گذشتن به آن انسان دانشمند و داور نمی شود .

گلبدین حکمتیار ! شما در قتل و کشتار انسانهای بیگناه مردم ما تجربه و آگاهی مسلکی خوبی دارید . و میتوانید ادعای آگاهیدن در قتل و کشتار مردم نمائید . مگر دانش شما برای داوری در مورد زبان فارسی خیلی بی مایه و کودکانه است .

برای آگاهی شما و پیروان چشم بسته شما ، جهت فهم بیشتر از زبان فارسی ، بگونه نمونه از جمع هزاران هزار واژه ، چند بندواژه و همآوا و هم قافیه و همچم واژگان پاکیزه ای : **دانشگاه ، دانشجو ، دانش آموز و مجلس نمایندگان** را باری به معرفی می گیریم .

یکم - دانشگاه : در ادبیات زبان فارسی به مفهوم جایگاه آموزش دانش است . مؤسسه عالی بزرگی که شامل چند دانشکده ورشته های گوناگون در سطح بالاتر از دیپلوم در آن آموزش داده می شود . واژه دانشگاه از دید بار دستور زبانی ، زبان فارسی با سایر واژه ها - بند واژه ، همه قافیه و پشت گردن ، همآوا ، همنویسه و همچم دارد . بدین مناسبت جادارد که برای آگاهی بیشتر گلبدین حکمتیار ، درباره بندواژه های زبان فارسی که شمارشان به هزاران می رسد مشتمل نمونه خروار 100 بندواژه و هم قافیه دانشگاه را معرفی می نمائیم .:

1 - دانشگاه ، 2 - آموزشگاه ، 3 - آزمایشگاه ، 4 - پرورشگاه ، 5 - زایشگاه ، 6 - خوابگاه ، 7 - باشگاه ، 8 - نمایشگاه ، 9 - فروشگاه ، 10 - فرودگاه ، 11 - ایستگاه ، 12 - قرارگاه ، 13 - آرایشگاه ، 14 - استراحتگاه ، 15 - جایگاه ، 16 - آرامگاه ، 17 - منزلگاه ، 18 - کارگاه ، 19 - آسایشگاه ، 20 - سلامتگاه ، 21 - لشکرگاه ، 22 - ستایشگاه ، 23 - جنگگاه ، 24 - رزمگاه ، 25 - پناهگاه ، 26 - کشتارگاه ، 27 - نشستگاه ، 28 - مزارگاه ، 29 - زیارتگاه ، 30 - آوردگاه ، 31 - عبادتگاه ، 32 - سجده گاه ، 33 - خُرخگاه ، 34 - ملامتگاه ، 35 - پالشگاه ، 36 - پرسشگاه ، 37 - خرمن گاه ، 38 - جولانگاه ، 39 - گذرگاه ، 40 - بندگاه ، 41 - تماشاگاه ، 42 - گریزگاه ، 43 - عرضه گاه ، 44 - دستگاه ، 45 - آتشگاه ، 46 - جراحتهگاه ، 47 - پیوندگاه ، 48 - مجلسگاه ، 49 - حربگاه ، 50 - چراگاه ، 51 - حرام گاه ، 52 - پیشینگاه ، 53 - پیکارگاه ، 54 - خاستگاه ، 55 - تجلی گاه ، 56 - امید گاه ، 57 - گازرگاه ، 58 - آخرگاه ، 59 - پرستشگاه ، 60 - بارگاه ، 61 - زیارتگاه ، 62 - آبشتگاه ، 63 - آبگاه ، 64 - آبانگاه ، 65 - آبریزگاه ، 66 - آبخیزگاه ، 67 - نشانه گاه ، 68 - آماجگاه ، 69 - حاجت گاه ، 70 - ادبگاه ، 71 - تهیگاه ، 72 - ناگاه ، 73 - آرزوگاه ، 74 - قربانگاه ، 75

بسملگاه ، 76 - هیچگاه ، 77 - بلگاه ، 78 - لنگرگاه ، 79 - بهارگاه ، 80 - تابستانگاه ، 81 - پائیزگاه ، 82 - زمستانگاه ، 83 - بکرنگاه ، 84 - پالیزگاه ، 85 - بلند نگاه ، 86 - بندرگاه ، 87 - بناگاه ، 88 - پاشنه گاه ، 89 - پایگاه ، 90 - پیشگاه ، 91 - پیکارگاه ، 92 - بنگاه ، 93 - بندگانگه ، 94 - پاسگاه ، 95 - صبحگاه ، 96 - بامگاه ، 97 - آمدن گاه ، 98 - تاجگاه ، 99 - گگردشگاه ، 100 - بزمگاه ... و صد ها واژه دیگر.

دوم - دانشجو : در ادبیات زبان فارسی بمفهوم جوینده دانش ، دانش پژوه ، شاگرد دوره آموزش عالی در دانشگاه ... ولاغیرتعریف گردیده است. جهت روشنایی مسئله ، در اینجا چند بندواژه وهم قافیه دانشجو را به خوانش می گیریم.:

دانشجو ، رزمجو ، جنگجو ، هنرجو ، مصلحت جو ، چاره جو ، جستجو، اصلاح جو ، فتنه جو، پیکارجو ، ستیزه جو، نیک جو ، دجو بجو ، بچُو ، کامجو ، عیب جو ، نصرت جو ، پناه جو ، حقیقت جو ، پرخاشجو ، آرمجو، دلجو ، صلحجو، نامجو ، استفاده جو ، انتقامجو ، صرفه جو ، چاره جو ، سلطه جو ، فشار جو ، کین جو ، کینه جو ، مداخله جو ، هنگامه جو ، آب جو ، جفت جو ، حادثه جو ، آسایش جو ، آرامش جو ، بیخاره جو ، بهانه جو ، پی جو ، انس جو ، چیتی جو ، رخنه جو ، افزایش جو ، سلامت جو ، زیادت جو ، زیاده جو ، شیوه جو ، شوی جو ، مشکین جو ، شاه جو ، نکته جو ، نقطه جو، لقمه جو ، کعبه جو ، کناره جو ، آرام جو ، عربده جو ، مدد جو ، فتنه جو ، دیهیم جو ، راه جو، حق جو ، گل جو ، فرجه جو ، دانه جو ، هدف جو ، فراز جو ، آش جو ، سبقت جو ، ماجراجو ، پرس جو ، خی جو ، کال جو ، ال جو ، او جو ، توره - جو ، بن جو ، بجل - جو ، جل - جو ، جه جو ، نیم جو ، ریگ جو ، آخ جو ، بهره جو ... ولاغیر .

دانش آموز : در فرهنگ فارسی شاگردی که در دوره دبستان ودبیرستان درس می خواند ودانش می آموزد . چند بند واژه وهم قافیه دانشجو را به تأمل می گیریم .:

دانش آموز ، نو آموز، بد آموز ، خود آموز، کار آموز ، هنرآموز ، دست آموز ، ادب آموز ، ، رقم آموز، رقوم آموز ، حرف آموز ، دیر آموز ، کم آموز ، الفت آموز ، بازی آموز ، بخشش آموز ، رقص آموز ، پرورش آموز ، ره آموز ، معرفت آموز ، مسئله آموز ، شب آموز ، نصیحت آموز ، نیک آموز ، نیکی آموز ، فرهنگ آموز، راه آموز ، هم آموز، عبرت آموز ، تُند آموز ، پند آموز ، غیب آموز ، ... ولاغیر .

مجلس نمایندگان : مجلس نمایندگان منتخب مردم ، بمثابة قلب دموکراسی مرکز اساسی هدایت ومراقبت برنامه های کاری دولت شناخته می شود. در نظام پارلمانی ، مجلس نمایندگان - عالی ترین ارگان تقنینی دولت است و هیئت وزیران در برابر مجلس نمایندگان پاسخگو هستند.

مجلس نمایندگان ، قانون مجلس ، ماه مجلس ، مجلس ایالتی ، مجلس سنا ، مجلس شورا ، مجلس عوام ، مجلس فوقانی ، مجلس رقص ، مجلس مسخرگی ، مجلس میگساری ، امیر مجلس ، مجلس کردن ، سلیقه مجلس ، ایستادگان مجلس ، صورت مجلس ، نقل مجلس ، مجلس انگیختن ، مجلس داشتن ، مجلس گفتن ، مجلس ساختن ، مجلس شوری ، مجلس نهادن ، مجلس آرا ، مجلس آشو ، مجلس افروز ، مجلس

خانه ، مجلس گاه ، مجلس گرمی ، مجلس نشین ، مجلس نویس ، خوش مجلس ، مجلس محور ، مجلس پذیرایی ، مجلس بزرگداشت ، مجلس یاد بود ، مجلس مؤسسان ، مجلس تشریحی ، مجلس قوه مقننه ، صاحب مجلس ، بانی مجلس ، مجلس مشاوره ، وکیل مجلس ، نماینده مجلس ، مجلس اعیان ، مجلس شورای ملی ، مجلس شورای ایالتی و... صدها بند واژه پیشگردد و پسگردد و همچم با مجلس نمایندگان در زبان فارسی وجود دارد که تذکر همه آنها از حوصله این نوشته بیرون است .

باعرض حرمت

Dr.Basir Kamo

دوستان تا که میتوانید این نوشته را بنشر بسپارید. جهت آگاهی بیشتر در مورد زبان فارسی به نشانی زیر مراجعه نمائید .:

<http://sarzaminearyan.com>

سرزمین آریان